

واقعه حرّه و قتل عام اهالی مدینه در سال 63 هجری قمری

پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران وفا دارش در سرزمین کربلا و اسیر شدن ...



پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران وفا دارش در سرزمین کربلا و اسیر شدن بازماندگانشان به دست سپاه یزید بن معاویه و افشاگری بازماندگان اهل بیت(ع) مانند امام زین العابدین(ع)، حضرت زینب کبری(س)، حضرت رباب همسر امام حسین(ع) و دیگر اسیران و هواداران اهل بیت(ع)، جوّ عمومی مسلمانان نسبت به یزید بن معاویه و کردار غیر اسلامی وی متغیر و او در جامعه اسلامی بی مقدار و ستمگر نشان داده شد و روز به روز تنفر مردم نسبت به وی و عاملان و مزدورانش زیاد تر می گردید.

یزید بن معاویه برای کاهش ناراضی‌های مردمی، تعدادی از معاریف و بزرگان حجاز، از جمله عبدالله بن حنظله را به دمشق دعوت کرد و از آنان پذیرایی نیکویی به عمل آورد و بخشش‌های زیادی به آنان نمود، تا از این راه، آنان را به خود جذب کرده و تعریف و با توصیف‌های آنان از یزید، تنفر عمومی مردم را از حکومت بکاهد.

ولیکن، نتیجه کار یزید، بر عکس شد. زیرا آن‌هایی که به کاخ یزید رفته بودند، چیزهایی از یزید و درباریان او دیده بودند که هرگز چنین تصویری پیش از این در باره وی نداشتند و تازه فهمیدند که امام حسین(ع) به حق بر ضد یزید قیام کرد و در این راه کشته شد. بدین جهت آنان نیز به افشاگری یزید پرداخته و هر آنچه دیده بودند برای مردم بیان کردند و بخشش‌های یزید و تطمیع‌های وی تأثیری در این ماجرا نداشت.

عبدالله بن حنظله، فرزند شهید نامدار اسلام "حنظله غسیل الملائکه" بود، که پدرش یک روز پس از عروسی اش، در جنگ احد کشته شد و به حنظله غسیل الملائکه معروف ولی فرزندی از او به جا ماند که عبدالله نامیده می شد و با مراقبت و تربیت مادرش، رشد یافت و از بزرگان و معاریف مدینه منوره گردید. وی پس از بازگشت از شام، در جمعی از مردم مدینه خطبه‌ای خواند و چنین گفت: فوالله ما خرجنا علی یزید حتی خفنا أن نرمي بالحجارة من السماء... به خدا سوگند ما بر علیه یزید قیام نکردیم، مگر اینکه می ترسیم [با سکوت و سازش ما با] او آسمان، سنگ بر ما بیارد. زیرا او مردی است که ازدواج با مادران، دختران و خواهران را مباح می کند و در روز روشن خمر می نوشد و به نماز بی توجهی می کند.

بدین گونه چهره واقعی یزید بن معاویه، خلیفه غاصب و ستمگر را برای اهالی مدینه منوره روشن نمود و آنان را به نا فرمانی و قیام عمومی بر ضد او فرا خواند.

سر انجام اهالی این شهر مقدس به رهبری عبدالله بن حنظله، بر عامل یزید در این شهر یعنی عثمان بن محمد بن ابی سفیان فشار آورده و او را به همراه تمامی افراد خاندان ستم پیشه بنی امیه و هواداران‌شان از شهر اخراج کردند، و شهر را به تصرف خویش در آوردند. در همین هنگام عبدالله بن زبیر نیز در مکه معظمه قیام کرد و این شهر را از دست بنی امیه بیرون آورده بود.

یزید بن معاویه، برای سرکوبی مردم حجاز، مسلم بن عقبه را که به خون ریزی و جنایت کاری معروف بود، با سپاهی عظیم به سوی آنان گسیل داشت و این سپاه از راهنمایی‌های عبد الملک بن مروان، که از فراریان مدینه بود اطلاعات لازم را به دست آورد و سر انجام در 28 ذی حجه، سال 63 قمری به شهر مدینه منوره هجوم آوردند و با انقلابیون و مخالفان بنی امیه به نبرد پرداختند.

انقلابیون مدینه تا توان داشتند به رزم بی امان خود ادامه دادند ولی سپاه حجیم و پر تعداد شامی توانشان را برید و آنان را وادار به شکست سنگین نمود.

تعداد زیادی از مردم مدینه کشته و زخمی گردیدند و عده‌ای نیز فرار کرده و به عبدالله بن زبیر در مکه معظمه پیوستند. عبدالله بن حنظله و فرزندان وی در این نبرد نابرابر به شهادت رسیدند.

مسلم بن عقبه سه روز جان، مال و ناموس اهالی مدینه را بر لشکریانش مباح کرد و سپاهیان بی نزاکت شامی چنان وحشی گری نمودند که روی تاریخ را سیاه کردند و بر هیچ یک از بازماندگان صحابه رسول خدا(ص) و فرزندان و نوادگان‌شان ترحم نکردند و قتل عام بزرگی به راه انداختند. گویند قریب هزار و هفصد تن از بزرگان و بزرگ زادگان و حدود ده هزار نفر از سایر مردم مدینه در این واقعه قتل عام شدند.

لشکریان یزید بنا به فرمان وی، تنها به بیت معظم حضرت امام زین العابدین(ع) و علی بن عبدالله بن عباس متعرض نشدند. این واقعه هولناک را رسول خدا(ص) در سفری که به مکه معظمه می رفت در سرزمین حرّه [در یک مایلی بیرون مدینه] پیش گویی کرد و برای آن بسیار متأثر شد.